

## رابطه سبک دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان نارساخوان و عادی

صدیقه صفایی / کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

### چکیده:

روان‌شناسان بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنها را به عهده دارند تأکید نموده و این کنش‌های متقابل را اساس عمده رشد عاطفی، شناختی و اجتماعی قلمداد کرده‌اند. در واقع سلامت تحولی فرد در هر دوره، معلول عواملی است که یکی از ارزشمندترین این عوامل در دوره حساس زندگی ایمنی دلبستگی می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان سبک دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان نارساخوان و عادی شهر سمنان انجام شده است. نمونه مورد بررسی شامل ۳۰ دانش‌آموز پسر نارساخوان و ۳۰ دانش‌آموز پسر عادی پایه چهارم و پنجم ابتدایی بودند. کودکان نارساخوان از مراکز اختلالات یادگیری و کودکان عادی به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از دبستان‌های شهرستان سمنان گزینش شدند. به منظور اندازه‌گیری سبک دلبستگی و رشد اجتماعی از مقیاس سبک دلبستگی رونقی و مقیاس رشد اجتماعی وایلند استفاده شد و جهت تعیین هوشبهر شرکت‌کنندگان جهت ورود به نمونه پژوهشی نیز از آزمون هوش ریون کودکان بهره‌برده شد. یافته‌ها نشان داد که رابطه مثبتی میان سبک دلبستگی ایمن و رشد اجتماعی در هر دو گروه وجود دارد. همچنین بین سبک دلبستگی اضطرابی و رشد اجتماعی در هر دو گروه و دلبستگی اجتنابی و رشد اجتماعی در دانش‌آموزان عادی رابطه منفی دیده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سبک دلبستگی می‌تواند رشد اجتماعی را در هر دو گروه نارساخوان و عادی پیش‌بینی کند؛ به گونه‌ای که دلبستگی ایمن با رشد اجتماعی بیشتر همراه است.

**واژه‌های کلیدی:** سبک دلبستگی، رشد اجتماعی، نارساخوانی

### مقدمه

مراحل گوناگون زندگی نسبتاً پایدار می‌مانند و تعامل‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (واترز<sup>۴</sup>، مریک<sup>۵</sup> و ترباکس<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰). کیفیت دلبستگی کودک به مادرش بر تمامی روابط شخصی وی تأثیر می‌گذارد و با قابلیت بالای او در روابط میان فردی آینده‌اش رابطه دارد (فگوت<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵). بی‌شک یکی از جنبه‌های ارزشمند رشد انسان، فرآیند اجتماعی شدن اوست. ذاتی بودن زندگی جمعی در انسان، ضرورت تماس با دیگران را به عنوان امری گریز ناپذیر جلوه‌گر می‌سازد. رشد اجتماعی، دارنده ارتباط سالم و منطبق با موقعیت در افراد است. کودکانی که مهارت اجتماعی کافی کسب کرده‌اند در ایجاد ارتباط با همسالان و یادگیری در محیط آموزشی موفق‌تر از کودکانی هستند که فاقد این مهارت می‌باشند (معدنی‌پور، رنجبر، کاکاوند، ثنایی‌ذاکر، ۱۳۹۰).

منظور از رشد اجتماعی فرد، تأثیر متقابل وی با

روان‌شناسان بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنها را به عهده دارند؛ تأکید نموده و این کنش‌های متقابل را اساس عمده رشد عاطفی<sup>۱</sup>، شناختی<sup>۲</sup> و اجتماعی<sup>۳</sup> قلمداد کرده‌اند. هرگاه اختلالی در این روابط عاطفی ایجاد شود بالطبع امنیت عاطفی کودک مختل می‌شود که آثار آن در رفتار وی منعکس می‌گردد. در واقع سلامت تحولی فرد در هر دوره، معلول عواملی است که یکی از مهم‌ترین این عوامل در دوره حساس زندگی، ایمنی دلبستگی می‌باشد (رازقی، غباری بناب، مظاهری، ۱۳۸۴). سبک‌های دلبستگی به الگوهای درون‌کاری معینی از دلبستگی گفته می‌شود که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد به جدایی از نگاره‌های دلبستگی و پیوند مجرد با این نگاره‌ها را تعیین می‌کنند. این سبک‌ها عمدتاً بر اساس تجربه‌های کودک با مادر (مراقب) شکل می‌گیرند، در

4 - Waters  
5 - Merrick  
6 - Treboux  
7 - Fagot

1 - affective  
2 - cognitive  
3 - social

تعاملات موفق اولیه می تواند آثار منفی رشد روانی اجتماعی کودکان را کاهش دهد (ساندهیم<sup>۸</sup> و وئلر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). از سویی این گونه ارتباطات نزدیک به گونه ای ژرف با سبک های دلبستگی رابطه دارند (بالی<sup>۱۰</sup>، ۱۹۶۹، به نقل از موید فر، آقا محمدیان و طباطبایی، ۱۳۸۶). مرویان حسینی (۱۳۷۶) در مطالعه ای به این نتیجه رسید که میزان مشکلات رفتاری در دانش آموزان دارای اختلالات خواندن و نوشتن بیشتر از دانش آموزان عادی است و این دانش آموزان دارای رشد اجتماعی و عزت نفس پایین تری هستند.

از این رو با توجه به اهمیت تعاملات نخستین کودک در شکل گیری روابط اجتماعی آینده او و تاثیر مشکلات یادگیری بر این روابط، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان نارساخوان و عادی است.

بر این اساس فرضیه های زیر مطرح می باشد:

- ۱- بین سبک های دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان عادی ارتباط وجود دارد.
- ۲- بین سبک های دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان نارساخوان ارتباط وجود دارد.
- ۳- بین سبک دلبستگی و رشد اجتماعی کودکان عادی و نارساخوان تفاوت معنی داری وجود دارد.

## روش:

جامعه پژوهش شامل تمامی دانش آموزان عادی و نارساخوانی بودند که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ در دبستان های شهر سمنان تحصیل می کردند. نمونه مورد بررسی شامل ۳۰ دانش آموز پسر نارساخوان و ۳۰ دانش آموز پسر عادی پایه چهارم و پنجم ابتدایی بودند. کودکان نارساخوان از مراکز اختلالات یادگیری و

دیگران و پذیرش نقش های اجتماعی است. رشد اجتماعی در بر گیرنده رشد، نوع دوستی، درستکاری، دفاع از خود و تعلق، همکاری، خویشن داری و انگیزه پیشرفت است (نلسون<sup>۱</sup> و ایرائیل<sup>۲</sup>، ۱۳۷۱). تشخیص رشد اجتماعی از رشد ذهنی بسیار مشکل است. زمانی رشد اجتماعی حاصل می شود که بتوان به درجه ای از توانایی در ارتباطات اجتماعی دست یافت که به آسانی در اجتماع و میان دیگران زندگی کرد و سازگاری داشت. تاثیر رشد اجتماعی در موفقیت شغلی و پیشرفت اجتماعی نیز کاملاً محسوس است (وایتزمن<sup>۳</sup>، ۱۳۷۶). آنچه که در حال حاضر بیشتر بر آن تاکید می شود، سهم نظریات شناختی در توجیه رشد اجتماعی است. محور این نگرش بر این موضوع استوار است که سطح شناختی کودکان و طرح های ذهنی آنان، با تجربه های محیطی به شکل متقابل تاثیر گذارده و موجب رشد اجتماعی می شود (نلسون و ایرائیل، ۱۳۷۱).

نارساخوانی نوعی اختلال یادگیری زبانی است که به نقایصی در زبان نوشتاری از جمله خواندن و هجی کردن می انجامد. درصدهای متعددی برای نارساخوانی ذکر شده است که از این میان آنچه مورد تفاهم عده بسیاری از پژوهشگران می باشد ۵-۱۰ درصد است (جیسون<sup>۴</sup> و دیوید<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). بررسی ها نشان داده است نارساخوانی در همه گروه های کودکان بدون توجه به جنس آنها و در همه گروه های اجتماعی، سطوح ذهنی و نواحی جغرافیایی اتفاق خواهد افتاد. این افراد در زمینه واج شناسی و آگاهی صرفی، آسیب دیده اند (لارسن<sup>۶</sup> و نیپولد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷).

8 - Sundheim  
9 - Voeller  
10 - Bowlby

1 - Nelson  
2 - Ieraiel  
3 - Witzman  
4 - Jason  
5 - David  
6 - Larsen  
7 - Nippold

بیشتری برخوردار است. با استفاده از این آزمون می‌توان کیفیت شایستگی‌های اجتماعی را در ۸ طبقه بررسی کرد. ضریب پایایی با بازآزمایی ۱۲۳ نفر، ۰/۹۲ گزارش شده است؛ با این توضیح که فاصله بازآزمایی از یک تا ۹ روز بوده است (پرستار، ۱۳۸۸).

**نارساخوانی در همه گروه‌های کودکان**

بدون توجه به جنس آنها و در همه گروه‌های اجتماعی، سطوح ذهنی و نوامی بی‌گرافایی اتفاق خواهد افتاد. این افراد در زمینه واج‌شناسی و آگاهی صرفی، آسیب‌دیده‌اند

مقیاس سبک دلبستگی: سبک دلبستگی آزمودنی‌ها در این پژوهش با استفاده از مقیاس دلبستگی تعیین خواهد شد. این مقیاس توسط رونقی (۱۳۸۷) تهیه شده است و برای سنجش کیفیت دلبستگی کودکان ۱۲-۶ ساله کاربرد دارد. این پرسشنامه شامل ۲۸ جمله است که به سبک‌ها رتر ساخته شده است و در این سبک جملات به صورت دوتایی ارائه می‌شوند که اولین جمله نشان دهنده رفتار ایمن و دومین جمله نشان دهنده رفتار اضطرابی یا اجتنابی می‌باشد. آلفای کرونباخ برای سوالات اضطراب معادل ۰/۸۲ و برای سوالات اجتناب ۰/۹۰ محاسبه شده است. برای تعیین پایایی مقیاس از روش بازآزمایی استفاده شده است. همبستگی نتایج بین اجرای اول و اجرای مجدد در مؤلفه اضطراب ۰/۵۲ و در مؤلفه اجتناب ۰/۵۶ بوده است که در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است (معدنی‌پور، رنجبر، کاکاوند، ثنایی ذاکر، ۱۳۹۰).

معیار ورود برای گروه کودکان نارساخوان و عادی شامل موارد زیر بود: داشتن بهره هوشی طبیعی، فقدان نقص بینایی جبران نشده، فقدان نقص شنوایی، عدم ابتلا به فلج مغزی یا آسیب مشهود حسی- حرکتی. در مراکز اختلالات یادگیری پس از انتخاب تصادفی دانش‌آموزان، پرونده ایشان به منظور اطمینان از عدم هرگونه نقص مورد

کودکان عادی به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از دبستان‌های شهر سمنان گزینش شدند. برای کنترل متغیرجنس تنها دانش‌آموزان پسر مورد مطالعه قرار گرفتند. با توجه به ماهیت موضوع پژوهش و با توجه به هدف پژوهش حاضر، طرح پژوهش از نوع همبستگی بود.

**ابزار پژوهش:**

آزمون ریون: آزمون ریون برای اندازه‌گیری هوش افراد در همه سطوح توانایی به کار می‌رود. این آزمون دارای دو فرم است که در این پژوهش از فرم ویژه کودکان که برای سنجش هوش کودکان ۵ تا ۱۰ ساله به کار می‌رود، استفاده شده است. آزمون ریون کودکان توسط براهنی (۱۳۷۴) در مورد کودکان تهران هنجاریابی شده است. دامنه ضرایب پایایی بازآزمایی این آزمون از ۰/۶۹ تا ۰/۹۱ و نیز ضرایب پایایی دو نیمه کردن از ۰/۸۱ تا ۰/۹۳ بوده است. برای برآورد روایی آزمون همبستگی نمرات آزمون با معدل سالانه حدود ۰/۱۲ تا ۰/۴۸ ذکر شده و به طور کلی آزمون ریون از اعتبار و روایی کافی برخوردار است و هوش عمومی را می‌توان با آن سنجید (به نقل نریمانی و رجبی، ۱۳۸۴).

مقیاس رشد اجتماعی وایلند: این مقیاس توسط ادگار وایلند تهیه و در سال ۱۹۶۵ در آن تجدید نظر کلی به عمل آمد. مقیاس بلوغ اجتماعی وایلند یکی از مقیاس‌های اندازه‌گیری توانایی‌های رشد‌یابنده است و میزان مسئولیت‌پذیری و توانایی فرد را در تامین نیازهای عملی می‌سنجد. وایلند باور داشت که می‌توان کیفیت شایستگی‌های اجتماعی را با جمع‌بندی کارهایی که در سنین گوناگون انجام می‌شود؛ سنجید. اگرچه این مقیاس گستره سنی تولد تا ۲۵ سالگی را در برمی‌گیرد، اما نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که روایی و پایایی آن در سنین پایین‌تر و به ویژه در گروه‌های کم‌توان ذهنی از توانایی

اجتماعی کودکان نارساخوان رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه به ترتیب برابر بود با  $0.36 < p < 0.05$  و  $0.47 < p < 0.01$ . این نتایج تایید کننده فرض اول و دوم پژوهش می باشد.

یافته های توصیفی به همراه نتایج حاصل از آزمون t در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- نتایج آزمون t سبک دلبستگی و رشد اجتماعی کودکان نارسا خوان و عادی

مدل	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	درجه معناداری
رشد نارساخوان عادی	۷۳,۵۸	۹,۹۴	-۱۰,۳۱	۵۸	۰,۰۰۰
سبک دلبستگی ایمن نارساخوان عادی	۱۳,۴۰	۲,۴۹	-۰,۱۰	۵۸	۰,۸۳
سبک دلبستگی اجتنابی نارساخوان عادی	۱۵,۳۳	۳,۵۱	۰,۱۴	۵۸	۰,۸۴
سبک دلبستگی اضطرابی نارساخوان عادی	۱۸,۸۳	۳,۸۹	۱,۵۷	۵۸	۰,۰۱۹

نتایج حاصل از آزمون t نشان داد بین کودکان عادی و نارسا خوان از لحاظ رشد اجتماعی، تفاوت معنی داری وجود دارد که فرض سوم را تایید می کند.

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام رشد اجتماعی بر اساس سبک دلبستگی ایمن

منبع تغییرات	R <sup>2</sup>	B	خطای استاندارد	بتا	T	سطح معنی داری
رشد اجتماعی	۰/۴۲	۱,۸	۰/۳۹	۰,۶۵	۴,۵۵	۰,۰۰۰*

$P < 0.0001^*$

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی رشد اجتماعی کودکان عادی بر اساس سبک دلبستگی ایمن در جدول ۱ آمده نشان می دهد که سبک دلبستگی ایمن  $0.42$  تغییرات رشد اجتماعی

بررسی قرار گرفت. برای گزینش کودکان عادی نیز نخست پنج آموزشگاه انتخاب شدند و از هر آموزشگاه دو کلاس در مقطع چهارم و پنجم ابتدایی و از هر کلاس سه نفر مورد بررسی قرار گرفتند. هر دو گروه از لحاظ سن تقویمی و پایه تحصیلی همتا شدند. همچنین نتایج حاصل از اجرای آزمون هوش نشان داد که هر دو گروه دارای بهره هوش طبیعی بودند که تفاوت معنی داری بین نمرات مشاهده نشد.

روش اجرا به این صورت بود که پس از گزینش نمونه مورد نظر، ابتدا آزمون هوش ریون برای دانش آموز در مکانی آرام انجام شد. پس از بررسی نتایج این آزمون و مشاهده هوشبهر طبیعی دانش آموزان عادی و نارساخوان و اطمینان از عدم وجود تفاوت معنادار در دو گروه، با هماهنگی مسئولان مدرسه از مادران دانش آموزان خواسته شد که در آموزشگاه حضور یابند. سپس آزمون رشد اجتماعی وایلد با پرسش از ایشان اجرا شد. به منظور اجرای مقیاس سبک دلبستگی، دانش آموزان دوباره در مکانی با آرامش قرار گرفتند و سوالات از ایشان پرسیده و پاسخ های آنان ثبت و نمره گذاری شد.

در پژوهش حاضر از آمار توصیفی برای تعیین فراوانی، درصد و میانگین استفاده شده است و به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آماری، مانند همبستگی پیرسون، آزمون t و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

#### یافته ها:

با استفاده از همبستگی پیرسون میان سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی و رشد اجتماعی در دانش آموزان عادی رابطه معناداری دیده می شود که به ترتیب برابر بودند با  $0.65$ ،  $0.48$  و  $0.43$  و  $0.01 < p < 0.05$ . نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نیز نشان می دهد که میان سبک های دلبستگی ایمن و اضطرابی با رشد

و همکاران؛ ۲۰۱۲). از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان نارساخوان و عادی انجام گرفت.

همان گونه که فرض شده بود میان سبک دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان عادی رابطه وجود داشت این رابطه در خصوص دلبستگی ایمن مثبت و در مورد سبک-های اضطرابی و اجتنابی منفی بود. در کودکان نارساخوان نیز میان سبک دلبستگی ایمن و رشد اجتماعی رابطه مثبت و دلبستگی اضطرابی و رشد اجتماعی رابطه منفی مشاهده شد. این نتایج با یافته‌های کاان من<sup>۶</sup> و حمید<sup>۷</sup> (۱۹۹۸) همخوان است. تامسون به این نتیجه رسید کودکانی که دلبستگی ناایمن داشتند مشکلات رفتاری بیشتری داشتند. همچنین از نظر مهارت‌های اجتماعی در درجه خیلی پایینی قرار داشتند و مشکلات بیشتری در تعامل‌های اجتماعی نشان دادند. مشکلات هوشی با مهارت‌های اجتماعی مرتبط بود و مشکلات اجتماعی با دلبستگی ارتباط داشت. (به نقل از رازقی، غبارناب و ظاهری، ۱۳۸۴). فراتحلیل انجام شده توسط اشنایدر، اتکینسون و تردیف (۲۰۰۱) نشان داد که بین کیفیت دلبستگی و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد. میزان پرخاشگری و رفتار ضد اجتماعی شاخصی از ناسازگاری بود. همچنین بین دلبستگی ایمن و روابط مثبت با همسالان رابطه معناداری وجود دارد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که با استناد به اینکه تردید، تعارض، تخاصم، درماندگی و آشفتگی جزو ویژگی‌های افراد مضطرب و دوسوگرا است؛ این افراد به شدت در معرض درگیری، تضاد، درماندگی و رفتار نابهنجار در موقعیت تنش‌زا و روابط اجتماعی قرار می‌گیرند و همین امر مایه ناکامی در روابط میان فردی و در نهایت ایجاد مشکلاتی در رشد اجتماعی خواهد شد.

6 - Ka an men  
7 - Hamid

کودکان عادی را تبیین می‌کنند ( $F_{(1,29)} = 20,76$ )،  $P < 0/0001$ .

### جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام رشد اجتماعی بر اساس سبک دلبستگی اضطرابی

منبع تغییرات	R <sup>2</sup>	B	خطای استاندارد	بتا	T	سطح معنی‌داری
رشد اجتماعی	۰,۲۲	-۱,۷۷	۰,۶۲	-۰,۴۷	-۲,۸۵	۰/۰۰*

$P < 0/001^*$

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی رشد اجتماعی کودکان نارساخوان بر اساس سبک دلبستگی اضطرابی در جدول ۲ آمده است. سبک دلبستگی اضطرابی ۰/۲۲ تغییرات رشد اجتماعی کودکان نارساخوان را تبیین می‌کنند ( $F_{(1,29)} = 8/12$ )،  $P < 0/001$ . همچنین نتایج به دست آمده از مقایسه همبستگی‌ها گویای وجود تفاوت معنادار در همبستگی سبک دلبستگی ایمن و رشد اجتماعی در دو گروه کودکان نارساخوان و عادی بود ( $Z = 2.46$ )

### بحث:

خواندن و ناتوانی در آن یکی از حوزه‌های بسیار مهمی است که معمولاً مشکلات بیشتری را برای دانش-آموزان ناتوان در یادگیری پدید می‌آورد (تاریان، نیکلاس و فاوست؛ ۲۰۰۷). این مشکلات بر روابط اجتماعی و عاطفی تاثیر گذار خواهد بود. دلبستگی شیوه‌ای است که برای مفهوم‌سازی و سنجش کیفیت روابط دوگانه به کار می‌رود (واحدی و مرادی، ۱۳۸۸). پژوهش‌های بسیاری بر رابطه میان سبک دلبستگی و رشد اجتماعی تاکید کرده‌اند (هلتیگان<sup>۱</sup>، لمبرت<sup>۲</sup>، سیفر<sup>۳</sup>، اکاس<sup>۴</sup>، بوئر<sup>۵</sup>

1 - Haltigan  
2 - Lambert  
3 - Seifer  
4 - Ekas  
5 - Bauer

کاهش تاثیر مثبت دلبستگی ایمن بر ایجاد روابط اجتماعی سازنده است. کودکان نارساخوان به دلیل دریافت توجه منفی به ویژه در اماکن آموزشی که بیشترین فرصت را برای ایشان در برقراری روابط اجتماعی فراهم می‌کند و در نتیجه طرد از گروه‌های اجتماعی، با تاخیر در رشد اجتماعی مواجه شوند.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به مشکلات موجود در دسترسی به نمونه بیشتر کودکان نارساخوان اشاره کرد که تعمیم‌پذیری آن را کاهش می‌دهد. همچنین برای شناسایی مشکلات احتمالی کودکان با اختلالات یادگیری به ویژه در روابط اجتماعی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه و تکمیلی با چنین نمونه‌هایی صورت گیرد و سرانجام در خصوص کاربردهای پژوهش حاضر می‌توان به این نکته اشاره کرد که با شناسایی مشکلات دلبستگی و رشد اجتماعی کودکان نارساخوان، با در پیش گرفتن رویکردهای درمانی متمرکز بر بهبود دلبستگی و ایمن‌سازی آن، می‌توان به بهبود و رفع نواقص روابط اجتماعی این کودکان پرداخت و سرانجام زمینه‌های رشد اجتماعی سالم ایشان را فراهم نمود. با توجه به این نکته که در پژوهش حاضر مشخص شد که میان رشد اجتماعی کودکان نارساخوان و عادی تفاوت وجود دارد؛ همچنین شواهد، گویای تاثیر متقابل عدم رشد اجتماعی و ناسازگاری‌های اجتماعی در تشدید نارساخوانی است؛ بهبود مهارت‌های اجتماعی با کمک والدین و مربیان، به ویژه در محیط آموزشگاه از اصلی‌ترین راهکارهای بهبود روابط و تعاملات اجتماعی و به تبع آن کاهش احتمالی مشکلات نارساخوانی خواهد بود. زیرا دانش‌آموزان زمان قابل توجهی را در مدرسه به سر می‌برند و به کمک آموزگاران آماده فراگیری مهارت‌های متعدد و گوناگون خواهند بود.

همچنین می‌توان گفت که روابط دلبستگی ایمن در ایجاد اعتماد کودکان برای کشف موقعیت‌های ناآشنای اجتماعی کمک می‌کند. این عوامل می‌تواند تاثیر چشمگیر در رشد اجتماعی و گسترش تعامل‌های اجتماعی داشته باشد.

#### رابطه دلبستگی و رشد اجتماعی

در سبک ایمن در دو گروه، تفاوت معنی‌داری دارد. این نکته ممکن است ماصل تاثیر نارساخوانی بر رشد اجتماعی و به تعویق انداختن آن باشد که باعث کاهش تاثیر مثبت دلبستگی ایمن بر ایجاد روابط اجتماعی سازنده است

در رابطه با فرضیه سوم نیز، نتایج نشان داد که تفاوت معناداری میان رشد اجتماعی در دانش‌آموزان عادی و نارساخوان وجود دارد. برخی پژوهش‌ها دریافتند که دانش‌آموزان مبتلا به اختلالات یادگیری، در کلاس پرخاشگری و بدرفتاری بیشتری نشان می‌دهند که به طرد آنها می‌انجامد. عزت‌نفس و خودپنداره ضعیف هم می‌تواند تاثیر منفی بر پیشرفت بگذارد. (مرویان حسینی، ۱۳۷۶؛ نریمانی و رجبی، ۱۳۸۴). رابرتز و زوبریک به مشکلاتی در روابط بین فردی و شایستگی اجتماعی کمتر در میان کودکان نارساخوان اشاره کردند (۱۹۹۳؛ به نقل از باعزت، ۱۳۸۷). این ناهنجاری‌ها که ناشی از عدم رشد اجتماعی کافی و مناسب کودک است، می‌تواند بر اثر ایجاد احساس شکست در این افراد باشد که خود می‌تواند مایه تشدید نارساخوانی شود.

همچنین مشخص شد که رابطه دلبستگی و رشد اجتماعی در سبک ایمن در دو گروه، تفاوت معنی‌داری دارد. این نکته ممکن است حاصل تاثیر نارساخوانی بر رشد اجتماعی و به تعویق انداختن آن باشد که باعث

## منابع:

- باعزت، فرشته (۱۳۸۷). تعیین عوامل اختلال‌های هیجانی موثر بر نارساخوانی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۴۰۴-۴۰۴، ۴۱۲.
- پرستار، علی (۱۳۸۸). مقیاس رشد اجتماعی واینلند، تهران: شرکت هوش آزمای نوید.
- رازقی، نرگس؛ غباری بناب، باقر؛ مظاهری، محمد علی (۱۳۸۴). مقایسه الگوهای دلبستگی کودکان تحت حمایت مراکز شبانه روزی با کودکان تحت حمایت خانواده، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۱۶، سال پنجم، شماره ۲، ۱۸۳-۱۶۵.
- مرویان حسینی، رضا (۱۳۷۶). شناسایی، تحلیل و مقایسه مشکلات رفتاری با رشد اجتماعی و عزت نفس دانش‌آموزان دارای اختلالات خواندن و نوشتن با دانش‌آموزان عادی. زنجان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان. سومین سمینار سراسری اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان.
- معدنی پور، کبری؛ رنجبر، ف؛ کاکاوند، ع؛ ثنایی ذاکر، ب (۱۳۹۰). رابطه سبک دلبستگی با خوش بینی و احساس تنهایی در دانش‌آموزان ۹-۱۲ سال شهر کرج، دوره ۱، شماره ۱.
- موید فر، هما؛ آقا محمدیان، حمیدرضا؛ طباطبایی، سید محمود (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های دلبستگی و عزت نفس اجتماعی، مطالعات روان‌شناختی، ۳، ۱، ۲، ۷۲-۶۱.
- نریمانی، م؛ رجبی، س (۱۳۸۴). بررسی شیوع و علل اختلالات یادگیری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی استان اردبیل، پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۱۷، سال پنجم، شماره ۳، ۲۵۲-۲۳۱.
- نلسون، ریتاویکس، ایراتیل، اس، سی؛ (بی تا) اختلالات رفتاری کودکان، منشی طوسی (مترجم: ۱۳۷۱)، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- وایتزمن، ایس (بی تا). رشد اجتماعی برای جوانان و خانواده ها. ترجمه سینا نظیری (مترجم: ۱۳۷۶)، تهران: انتشارات آرین.
- واحدی، شهرام و مرادی، سمانه (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های دلبستگی پدر و مادر با سازگاری هیجانی، رفتاری و اجتماعی در دانش‌جویان غیر بومی سال اول، مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال یازدهم، شماره ۳، ۲۳۲-۲۲۳.
- Fagot, B. I. (1995). *Parenting boys and girls*. In M. H. Bornstein (Ed. ) *Handbook of parenting* (vol, 1, 163-183). Mahwahnj: Erlbaum.
- Jason L. David J.F.(2004) *Development of Phonological Awareness*, *Current Direction in Psychological Science*, 14(5), 255-259 .
- Ka-on man & Hamid, N (1998). *The relationship between attachment and causal attributions in chinese trainee teachers*. *Personality and individual differences*. 24, 3, 357-361.
- Larsen, J.& Nippold, M. (2007) *Morphological analysis in school- aged children,dynamic assessment of a word learning strategy*: *Language, Speech and Hearing services in schools*:3(2), 112-122.
- Schneider, B. H., Atkinson, L. & Tardiff, c.(2001) *Child parent attachment and children's peer relations: A quantitative review*. *Dev psychol*, 37.86-100.
- Sundheim, S. T., & Voeller, K. K. (2004). *Psychiatric implications of language disorders and learning disabilities: Risks and management*. *Journal of Child Neurology*, 19(10), 814-826.
- Taroyan, N.A., Nicolas, R. I. & Fawcett, A. J.(2007). *Behavioral and neurophysiological correlates of dyslexia in the continuous performance task*. *Clinical Neurophysiology*, 118(4), 845-855.
- Waters, E. Merrick, S. , Treboux, D. , Crowell, J. , & Albersheim, L. (2000). *Attachment security in infancy and early adulthood: a twenty- year longitudinal study*. *Child Development*, 3, 684-689.